

پیام انقلاب حسینی

تألیف :
سید ماشوم معروف الحسنی

ترجمہ : محمد تقی رہبر



نشر مقظہر

فهرست نویسی پیش از انتشار (CIP):

حسنى، سیدهاشم معروف، ۱۹۱۹-۱۹۸۲ م
پیام انقلاب حسینی: ترجمه کتاب من و حى الثورة الحسينیه /
تأليف سيدهاشم معروف الحسنی؛ ترجمه محمد تقى رهبر. - تهران: نشر
مطهر، ۱۳۸۵.
۱۵۸ ص.

ISBN 964-5839-85-8

کتابنامه: ص. ۱۵۷-۱۵۸؛ همچنین به صورت زیر نویس.
۱. واقعه کربلا، ۶۱ ق. ۲. حسین بن علی علیه السلام، امام سوم، ۴-۶۱ ق. ۳.
زینب بنت علی علیها السلام، ۶-۶۲ ق. الف. رهبر، محمدتقی، ۱۳۱۴-،
مترجم. ب. عنوان.

۲۹۷/۹۵۳۴

BP ۴۱/۵/ ج ۴۱۳/ م ۸۰۴۱

م ۸۴-۵۸۷۴

کتابخانه ملی ایران



نشر مطهر

حسنى، سیدهاشم معروف

پیام انقلاب حسینی

ترجمه: محمدتقی رهبر

چاپ اول: زمستان ۱۳۸۵

چاپ و صحافی: چاپخانه سپهر

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

حق چاپ محفوظ است.

نشانی ناشر: تهران، صندوق پستی: ۹۵۵-۱۶۷۶۵

تلفن: ۴۴۳۱۷۶۹۷

فهرست مطالب

۷	 مقدمه مترجم
۱۴	 عاشورا و درس ستم ستیزی
۱۸	 حضرت زینب علیها السلام پیام رسان عاشورا
۲۱	 پیشگفتار مؤلف
۲۷	 فصل اول: انگیزه های قیام امام حسین علیه السلام
۲۷	 مواضع امام حسین علیه السلام در برابر معاویه
۳۶	 چرا حسین علیه السلام با یزید جنگید و با معاویه جنگ نکرد؟
۴۳	 موضع گیری حسین علیه السلام در برابر بیعت یزید
۵۲	 سال شصت و یک
۵۵	 هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله و هجرت حسین علیه السلام
۶۷	 ماکجا و حسین علیه السلام کجا
۷۱	 ای پدر شهیدان! چه با شکوه است روزگار تو!

۷۵	خدا می خواست آنان را اسیر ببیند
۸۴	حماسه جوانمردان در کربلا
۹۳	زینب دختر علی علیه السلام قهرمان کربلا
۱۰۱	زینب علیه السلام در شام
۱۰۵	رسالت زینب علیه السلام
۱۰۸	بازتاب واقعه خونبار کربلا
۱۱۸	یا لثارات الحسین
۱۱۹	فصل دوم: نگاهی به زندگی عقیده هاشمی
۱۲۴	فرشته عفاف
۱۲۵	ازدواج زینب علیه السلام با عبدالله بن جعفر
۱۲۹	فرزندان زینب علیه السلام
۱۳۲	نگرشی بر مصائب زینب علیه السلام از کودکی تا...
۱۳۹	مرقد حضرت زینب علیه السلام
۱۴۳	مرقد زینیه در مصر
۱۵۰	پس مرقد زینب علیه السلام در کجاست؟
۱۵۱	دختران امیرالمؤمنین علیه السلام
۱۵۲	زینیه در قاهره و حوالی شام
۱۵۷	فهرست منابع

مقدمه مترجم

روزی که حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام در آن سرزمین خشک و سوزان و «وادی غیر ذی ذرع» در کنار خانه مقدس الهی، همسر و فرزند خردسالش را نهاد و رفت، در نیایش با خدای خود چنین گفت:

فَاجْعَلْ أَفْتِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ؛ خدایا! دل‌های مردم را به سوی آنان متمایل گردان!

مصدق کامل این دعا، عشق و محبت صادقانه‌ای است که مردم با ایمان به خاندان پاک رسالت، برگزیدگان نسل ابراهیم خلیل و اسماعیل ذبیح علیه السلام داشته و دارند که به رغم خصومت‌های بی حدی که حق‌ستیزان در نفی شخصیت فرد فرد آن خاندان پاک داشته و کوشیده‌اند یاد آنها را از

۱. سوره ابراهیم، آیه ۳۷.

حافظه‌ها محو کنند، هرگز نتوانسته‌اند مهرشان را از سوزیدای قلوب بنی آدم بزایند؛ چرا که این اراده محتوم خداوند است و کسی با آن نمی‌تواند مقابله کند. و در این میان حسین بن علی علیه السلام ویژگی خاص دارد؛ چرا که خداوند به بهای فداکاری بزرگ و «ذبح عظیم» او مهرش را بر لوح دل‌ها حک کرده، ملک تا ملکوت را به بند ارادتش کشیده، و آسمان و زمین را به نام آن سرور دو جهان آذین بسته تا جن و انس و ملک سر بر آستان ارادتش بسایند و از آن مصباح هدایت طلب فیض کنند و از آن کشتی نجات رستگاری بجویند.

حدیث حسین علیه السلام حدیث خون و مظلومیت، مظلومیت همراه با رشادت و حریت، و حدیث عشق و محبت و عزت و افتخار است. بدین جهت همه انسان‌ها از هر نژاد و تبار و هر نحله و مذهب در برابر آسمان عظمتش سر فرود می‌آورند و عواطف و احساسات پاکشان را بر خاکِ پایش نثار می‌کنند.

در میان امت محمد صلی الله علیه و آله کسی را نمی‌توان یافت که از فضایل سالار شهیدان نشنیده باشد و با سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله درباره حضرتش آشنا نباشد و یا در آن تردید کند. منابع روایی شیعه و سنی شاهی بر این مدعا است. به عنوان مثال :

احمد بن حنبل به اسناد خود از «ابی سابط» آورده است که جابر (بن عبدالله انصاری) گفت: روزی حسین بن علی وارد مسجد شد، در این حال پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى سَيِّدِ شَبَابٍ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى هَذَا؛
کسی که دوست دارد به آقای جوانان اهل بهشت بنگرد به حسین نظر کند.

ابن کثیر به نقل از «ترمذی» و دیگران این سخن پیامبر ﷺ را نقل کرده است که فرمود:

حُسَيْنٌ مِنِّي وَ أَنَا مِنْ حُسَيْنٍ. أَحَبُّ اللَّهِ مَنْ أَحَبَّ حُسَيْنًا،
حُسَيْنٌ سِبْطٌ مِنَ الْأَسْبَاطِ؛^۱ حسین از من است و من از حسینم.
خداوند دوست دارد کسی را که حسین را دوست بدارد. حسین
نواده‌ای از نواده‌های پاک رسولان است.

و نیز ابن حجر عسقلانی می‌نویسد: روزی عبدالله بن عمر در سایه خانه
کعبه نشسته بود، در این میان حسین بن علی وارد شد. همین که چشم
عبدالله به آن حضرت افتاد چنین گفت:

امروز این آقا محبوب‌ترین اهل زمین و اهل آسمان است.^۲

باری! شخصیتی به عظمت حسین بن علی علیه السلام، فرزند پیغمبر صلی الله علیه و آله، نور
دیده زهرا علیها السلام، چهره‌ای با آن قداست و محبوبیت و ایثار بزرگی که در راه
اسلام و نجات انسان‌ها از خود نشان داد و جایگاهی که در قلوب و نفوس
آنان از آن خود ساخت، و درسی که به بشریت آموخت و نهال آزادگی‌ای
که نشاند و آن را با خون خود و فرزندان و یارانش و اسارت خاندانش

۱. البداية والنهاية، ج ۸، ص ۲۰۶. ۲. همان، از سنن ترمذی.

۳. الاصابة فی تمییز الصحابة، ج ۱، ص ۳۳۵.

آبیاری کرد، باید اسوه و سرمشق برای کسانی باشد که از گمراهی و سرگردانی و بردگی فرزندان آدم رنج می‌برند و نمی‌خواهند شاهد سلطه استکباری و اقطاب جهل و جور بر مستضعفان و محرومان باشند. و این است پیام عاشورای حسینی و حماسه کربلا که برای رهایی از چنگال اهریمنان و جباران چه باید کرد.

راز اینکه چرا حتی پس از شهادت حسین علیه السلام حاکمان غاصب و خلفای جابر در خاموش کردن این شعله الهی از پای ننشستند و مانع از زیارت قبر آن حضرت می‌شدند و در تخریب آثار آرامگاهش می‌کوشیدند، و یارانش را شکنجه می‌کردند و یا به قتل می‌رساندند، در همین نکته نهان بود که نمی‌خواستند پرچم عدالت و آزادی خواهی و ستم ستیزی برپا باشد! آنها غافل از این نکته بودند که اگر بتوانند - به فرض - آثار قبر آن حضرت را از دیدگان پنهان کنند، نمی‌توانند دل‌های پاک دوستدارانش را از عشق و محبتش تهی سازند. و چه نیکو روایتی از رسول گرامی صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود:

إِنَّ لِقَاتِ الْحُسَيْنِ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدًا؛ شهادت فرزندم

حسین آنچنان سوزی در دل‌های مؤمنان دارد که هرگز سرد نخواهد شد.

همان گونه که می‌دانیم پس از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله بیشترین ستم را بر اهل بیت، بنی امیه و سپس بنی عباس کردند. بنی عباس که فرزندان عباس، عموی پیغمبر صلی الله علیه و آله بودند، زمام خلافت را از مروانیان و بقایای آن شجره خبیثه گرفتند. در آغاز خلافتشان زیارت امام حسین علیه السلام آزاد بود و عاشقان

آن حضرت بر مزار مقدس او اجتماع می کردند و به تضرع و توسل می پرداختند. اما بالاخره تحمل عباسیان به پایان رسید و زیارت آن حضرت را ممنوع، و قبر مقدس ایشان را ویران ساختند.

محدث قمی در *تتمة المنتهی* چنین آورده است: «در ایام خلافت هارون الرشید، زیارت حضرت سیدالشهدا در میان شیعه و سنی شایع شد. چنان که موافق کتاب *کامل الزیارة* حتی زن ها همیشه به زیارت آن قبر شریف می رفتند و در حائر مطهر از کثرت جمعیت تراحم می شد. این کار سبب خوف هارون شد که مبادا مردم به اولاد امیرالمؤمنین علیه السلام رو آورند و خلافت از عباسیان به علویین منتقل شود. لذا: به والی کوفه موسی بن عیسی فرمان داد قبر مطهر سیدالشهدا و عمارت های اطراف آن را ویران سازد و به جای آن کشت و زرع کند و او چنین کرد، و همه زمین ها و حائر حسینی را شخم زد، حتی درخت سدری که نزدیک قبر بود از ریشه درآورد تا کسی نتواند با این علامت قبر را بشناسد. چون این خبر به جریر بن عبدالحمید رسید تکبیر گفت و تعجب کرد؛ زیرا حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله معروف بود که قطع کننده سدر را سه بار لعنت فرموده بود: «لَعَنَ اللَّهُ قَاطِعَ السُّدْرَةِ.» و گفت اینک معنی حدیث را فهمیدم.

پس از هارون، دیگر خلفای عباسی متعرض قبر آن حضرت نشدند؛ لذا اهالی سواد کوفه به زیارت مرقد مقدس آن حضرت می شتافتند تا ایام متوکل (در سال ۲۳۷) که به او خبر رسید مردم به زیارت قبر حسین علیه السلام می روند و اجتماع می کنند. لذا لشکری به سوی نینوا فرستاد و قبر شریف

را خراب کردند و مردم را متفرق ساختند. با این حال در موسم زیارت، مردم به زیارت می آمدند و می گفتند اگر کشته شویم باز ماندگان ما به زیارت خواهند آمد، چرا که برکات و معجزاتی از اینجا دیده ایم.

فرمانده سپاه این جریان رابه متوکل نوشت و متوکل از انقلاب عراق ترمید و گفت به مردم کوفه بگویند ما مأمور خراب کردن قبر نبودیم. بار دیگر مردم سواد کوفه جمع شدند، و در کربلا بناها و عمارت ها ساختند و بازار بزرگی بنا کردند. روز به روز بر تعداد زائران افزون شد تا اینکه در سنه ۲۴۷ لشکری گسیل شد و منادیان ندا دادند که ذمه خلیفه بیزار است از کسی که به زیارت کربلا رود. بر تمام اراضی کربلا آب بستند و زراعت کردند. گاهی آب پیش نرفت و گاهی گاوها ی شخم و شیار، پیش نرفتند و گاهی قبر مطهر در آسمان و زمین معلق شد. گاه تیرهای غیبی به عمله و بیل داران اصابت می کرد. ولی همه اینها نتوانست متوکل را تنبیه کند: «وَمَا تُغْنِي الْآيَاتُ وَالنُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ»^۱ و بر بغض و کینه او می افزود تا آنکه موافق روایتی فردی به نام دیزج به فرمان متوکل قبر را ویران کرد. و چون آن را شکافت بوریای تازه ای را که بنی اسد هنگام دفن آورده بودند دید که هنوز باقی است و جسد مطهر روی آن قرار دارد؛ ولی به متوکل نوشت: قبر را نبش کردم و چیزی نیافتم...^۲ ظاهراً دیزج نخواست است زیر بار سنگین چنین جنایتی برود؛ و شانه از بار این مسئولیت خطیر خالی

۲. تمة المنتهی، صص ۳۴۷ - ۳۴۸.

۱. سورة یونس، آیه ۱۰۱.

کرده و یا اینکه رعب و وحشت بر وجودش مستولی شده است.

در این خصوص داستان جالب دیگری را ابوالفرج اصفهانی از «احمد بن جعد و شأ» روایت کرده است که: «سبب امر متوکل به تخریب قبر مطهر این بود که زن مغنیه‌ای کنیزان خواننده و نوازنده را برای متوکل می‌فرستاد؛ و چون متوکل به خلافت رسید گفت آن زن را بخواهند تا نوازندگان را برای وی بفرستد. گفتند او به سفر رفته است. چون مراجعت کرد یکی از کنیزان خود را نزد متوکل فرستاد. متوکل از او پرسید کجا رفته بودی؟ گفت با بانوی خود به سفر حج رفته بودم.

متوکل گفت: در ماه شعبان به سفر حج؟ گفت: به زیارت قبر حسین مظلوم.

متوکل از شنیدن این سخن خشمگین شد و گفت کار قبر حسین به جایی رسیده است که زیارت او را حج گویند؟! سپس امر کرد آن زن را به زندان انداختند و اموالش را مصادره کردند. و بعد به یکی از اطرافیان خود به نام دیزج - که یهودی تازه مسلمان بود - دستور داد آثار قبر امام حسین علیه السلام را به کلی محو کند و با خاک یکسان سازد و زائران مرقد آن حضرت را شکنجه کند.^۱

یکی از شعرای عرب که دوران بنی امیه و بنی عباس را دیده است در این باره می‌گوید:

۱. همان، ص ۳۴۵، به نقل از مقاتل الطالبیین، ص ۱۵۹.

تَاللّٰهِ اِنْ كَانَتْ اُمِّيَّةٌ قَدْ اُتَتْ قَتَلَ ابْنِ بِنْتِ نَيْبِهَا مَظْلُومًا
فَلَقَدْ اَتَوْهُ بِنُوْا اَبِيهِ بِمِثْلِهِ هَذَا السَّعْمُ رَكَّ قَبْرُهُ مَهْدُومًا
اَسْقُوا عَلٰى اَنْ لَا يَكُوْنُوْا شَارِكُوْا فِى قَتْلِهِ فَتَتَّبِعُوْهُ رَمِيْمًا

به خدا اگر بنی امیه پسر دختر پیغمبر را مظلومانه به شهادت رساندند، بنی عباس نیز همین کار را کردند و قبرش را ویران ساختند. آنان از اینکه نتوانستند در قتلش شرکت کنند تأسف خوردند، از این رو استخوان هایش را تعقیب کردند.

عاشورا و درس ستم‌ستیزی

شرح این مصیبت‌ها از حوصله این مقدمه بیرون است و تنها اشارتی است گذرا و تأیید این مدعا که نهضت کربلا و شهادت حسین بن علی علیه السلام طی قرن‌ها، نماد جهاد و مبارزه بوده و در دل بیدادگران وحشت افکنده است و برای همیشه نیز چنین خواهد بود. پرچم خون‌رنج بر گنبد مطهر حسین علیه السلام و برادرش عباس بن علی علیه السلام نماد انقلاب است. نمایشگر خونی که هرگز از جوشش نمی‌افتد تا همه پایگاه‌های ستم و بیداد را به دیار نابودی فرستد.

امروزه جهان اسلام مانند هر زمان دیگری به این پرچم و آن پرچمدار نیازمند است و تنها راه چاره برای پایان دادن به سلطه و استبداد، کفر و استکبار، و ستم و بیداد از سوی هر قدرت یا دولتی که باشد، فقط و فقط الهام گرفتن از سالار شهیدان و مکتب ستم‌سوز او است.

امروزه امت اسلام باید در برابر هجوم امپریالیسم و صهیونیسم بار دیگر عاشورای خود و درسهایش را برای این نسل زنده کند. اگر ایران اسلامی علیه ستم و استبداد و استکبار و استعمار به ستیزه برخاست و در این نبرد مقدس پیروز شد با الهام از مکتب حسین بن علی بود. اگر شیعیان جنوب لبنان با دست خالی و عِدّه و عُدّه ناچیز پنجه در پنجه صهیونیست‌های متجاوز افکندند، و غاصبان تا بن دندان مسلح را از سرزمین خود راندند، ره آورد دیگری از جهاد و شهادت عاشورا است، و اگر انتفاضه فلسطین مظلوم، خواب راحت از چشم رژیم جنایتکار اشغال‌گر قدس ربوده، رشحه‌ای از مکتب حسین بن علی است. این تنها راه رهایی ملتی است که نمی‌خواهد دست بسته تسلیم ستم و بیداد و غصب و استبداد باشد؛ و این پیام عاشورا است برای همه عصرها و نسل‌ها، که باید آن را در زیارت و سوگواری و تحلیل‌های تاریخی، به عنوان روح نهضت امام حسین علیه السلام منظور داشت.

نکته قابل ذکر اینکه بازخوانی کتاب عاشورا و پیام نهضت حسین بن علی علیه السلام درس‌های فراوان و نکته‌های ناگفته بسیاری در بردارد که رهروان راه حسین علیه السلام نباید از پیام آن غافل باشند. در این مکتب، جهاد و شهادت، عزت و افتخار، عرفان و عبودیت، عدالت و حرّیت، اخلاق و فضیلت، و کتاب و سنت، تفسیر و بیان می‌شود تا روح و معنویت عاشورا و پیام جاودانه آن در آداب و مراسم ظاهری پنهان نماند.

درباره کربلا و سالار شهیدان کتاب‌ها و مقالات بسیار نوشته شده

است و اشعار و مرثی بی شماری سروده‌اند. نخستین سوگواران و مرثیه‌سرایان حسین علیه السلام، ائمه طاهرين علیهم السلام بودند و قبل از آنان پیامبر گرامی اسلام که روضه مصائب پاره تنش را از زبان جبرئیل امین شنید و برای دخترش زهرا علیها السلام بازگو کرد و همه در میلاد این نوزاد گرامی که سخت‌ترین مصیبت‌ها در انتظارش بود، گریستند.^۱ و ثواب گریه بر حسین علیه السلام و یارانش را پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله با حج و عمره بی شمار معادل دانسته است که این تعبیر درباره دیگری دیده و یا شنیده نشده است.

پدرش امیرالمؤمنین علیه السلام هنگام بازگشت از صفین بر تربت کربلا گذشت و آنجا درنگ کرد و نشست و از مصیبت‌های فرزندش در آن سرزمین سخن گفت. هر یک از ائمه معصومین علیهم السلام به سوگواری آن حضرت نشستند و شیعیان را به اقامه عزاداری حسین علیه السلام و ذکر مصائبش توصیه کردند که در کتب مقاتل و سیره و حدیث از این نمونه‌ها فراوان وجود دارد.

در طول چهارده قرن تاریخ اسلام و پس از واقعه کربلا درباره هیچ حادثه‌ای از حوادث عالم اینقدر شعر و سخن نگفته‌اند و سوگواری نکرده‌اند. شور جاودانه کربلا تا قیامت امتداد می‌یابد؛ تا روزی که در جهان از ستم و بیداد اثری نماند.

سقوط بنی‌امیه ره‌آوردی ناپایز بود که از رهگذر شهادت

حسین بن علی علیه السلام عاید جهان اسلام شد. خون مقدس «ثارالله» به مقیاس عظمتش ره آورد بزرگ دارد و آثاری در خور به جای خواهد گذارد و آن سرنگونی همه تبهکاران تاریخ و بیدادگران جهانی، و اقامه حق و عدالت در سراسر گیتی، و تطهیر زمین از هر ناپاکی است و این کار تنها از او ساخته است. این خون پاک آنقدر می جوشد تا کاخ های ستم را بر سر سر کاخ نشینان ویران کند و فراعنه خون آشام هر عصر را در کام خود فرو برد و بر ویرانه های قصرهای ستم کاخ عدالت را بنیان نهد؛ و این تنها با ظهور منجی عالم بشریت حضرت صاحب الزمان علیه السلام تحقق یافتنی است.

در روایتی از امام صادق علیه السلام چنین آمده است:

لَمَّا كَانَ مِنْ أَمْرِ الْحُسَيْنِ علیه السلام مَا كَانَ ضَجَّتِ الْمَلَائِكَةُ إِلَى اللَّهِ بِالْبُكَاءِ وَقَالَتْ: يُفْعَلُ هَذَا بِالْحُسَيْنِ صَفِيكَ وَابْنِ نَبِيِّكَ! فَأَقَامَ اللَّهُ لَهُمْ ظِلَّ الْقَائِمِ علیه السلام وَقَالَ: بِهَذَا أَنْتَقِمُ لِهَذَا! هنگامی که حسین علیه السلام به شهادت رسید، فرشتگان فریاد به ضجه برآوردند و با خدا چنین گفتند: با حسین برگزیده تو و پسر دختر پیغمبرت این گونه عمل می شود؟! آنگاه خداوند سایه قائم آل محمد علیه السلام را برای فرشتگان مجسم کرد و فرمود: به وسیله این، انتقام او را خواهم گرفت. در حقیقت، انتقام خون حسین علیه السلام با ظهور امام منتظر علیه السلام و نابودی اقطاب کفر و ستم و استبداد، بهایی است که خداوند به خون مطهر آن

شهیدان عنایت فرموده است.

حضرت زینب علیها السلام پیام‌رسان عاشورا

در هر کجا و هر زمان که نام سالار شهیدان، حسین بن علی علیه السلام و کربلا به میان آید نام بانوی قهرمان کربلا، زینب دختر امیرالمؤمنین علیه السلام در کنار آن می‌درخشد و این یک اتفاق و تصادف نیست، بلکه ریشه در یک هم‌پیمانی دیرین دارد. از آن روزی که زینب در دامن علی و زهرا علیهما السلام چشم بر جهان گشود، دیده بر جمال دل‌آرای حسین علیه السلام روشن می‌داشت. این برادر و خواهر همان‌گونه که ولادتشان پیایی و در زمانی نزدیک به همدیگر بود علاقه‌ای وافر نیز به هم داشتند. حسین سیمای مادر جوان از دست رفته‌اش - زهرا علیها السلام - را در چهره خواهرش زینب می‌دید. زینب برای حسین خواهری بود که یاد مادر را زنده می‌داشت و این دو در کنار برادر و خواهر دیگرشان - حسن و ام‌کلثوم علیهما السلام -، زندگی علی علیه السلام را که با رفتن زهرا بی‌روح شده بود زینت و روح می‌بخشیدند، همان‌گونه که علی علیه السلام نیز یادگارهای زهرا را تسلی‌بخش قلب دردمند خویش می‌دانست و جای زهرا را که همیشه خالی بود با این کودکان معصوم پر می‌کرد...

گذشت زمان و درد و رنج‌های دیگر علی نیز در تحکیم این رابطه عاطفی پرشور و مقدس نقش آفرین بود.

باری! زینب علیها السلام، که روح بزرگ پدر و میراث گرانسنگ مادر را با خود حمل می‌کرد، در فراز و نشیب آن سفر پرحادثه یار و یاور برادر بود. برای

کودکان مادری و از بیماران پرستاری کرد. کاروان اسیران را سرپرستی کرد. بود در بازار کوفه خطبه خواند و با خطابه‌اش خطبه‌های علی علیه السلام را تداعی ساخت. با سخنان آتشین، در مجلس یزید و ابن زیاد شوری افکند. در تحقیر دشمن سرمست فروگذار نکرد، و تاریخ کربلا را به تصویر کشید. وی شش ماه تمام از هنگام حرکت امام حسین علیه السلام از مدینه تا بازگشت اهل بیت به وطن حوادث پرماجرای این سفر شهادت و اسارت را شاهد بود؛ و رسالت حسین علیه السلام را ابلاغ کرد. او جانش را سپر بلای امام سجاد علیه السلام کرد که جانش در خطر بود. زینب علیه السلام سنگ صبور مصائب، آزاده‌ای در بند، رسالت محمدی بر دوش، زبان علی در کام، و میراث فاطمی را نگهبان بود. او در انجام رسالت حسینی کمترین قصوری را روا نداشت. راز جاودانگی زینب علیه السلام را در تاریخ کربلا باید در این نکته‌ها و نکته‌های ناگفته دیگر جست.



این سخن تفسیر بیشتری می‌طلبد که خارج از مجال این بحث است و در اینجا یک اشارت کافی است.

نگارنده که خود را مدیون مولای خود می‌داند، اگر مدد الهی یار شود، امیدوار است در فرصتی دیگر از توش و توان خود برای نگارش این موضوع بهره گیرد؛ شاید بتواند بخشی از آنچه را که در سایه نوکری آن بزرگ ولی خدا به دست آورده است، ادا کند و ذخیره آخرت سازد.

اما توفیق ترجمه کتاب من وحی الثورة الحسينية، نوشته سید هاشم

معروف‌الحسنی - یکی از علمای برجسته جنوب لبنان و جبل عامل - به پیشنهاد مؤسسه نشر مطهر دست داد؛ و این مهم با اندک تصرفاتی در متن و تلخیص مناسب پاره‌ای از موارد غیر ضروری، انجام شد. مؤلف محترم در این کتاب کوشیده است تا پیام نهضت حسین بن علی (علیه السلام) را که امروز برای امت اسلام شنیدنش رمز رهایی است عرضه کند و ضمناً فصلی را درباره خواهر حسین (علیه السلام)، زینب کبری (علیه السلام) بر آن افزوده است. با قدردانی از این اثر ارزشمند و سپاس توفیق در این ترجمه، خوانندگان گرامی را به مطالعه فرا می‌خواند. امید آنکه برای شیفتگان راه سالار شهیدان سودمند افتد. آمین

محمد تقی رهبر